

ارائه مدل تأثیر آموزش دانشگاه (با تأکید بر دانشگاه علوم دریایی) بر اقتصاد مقاومتی به واسطه نقش زیرساخت‌های فرهنگی، منابع انسانی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی

جعفر عموزاده^۱، وحید فلاح^۲، سعید صفاریان^۳

چکیده

از مهمترین مسائل پیش روی کشورهایی که در زمینه اقتصادی با مشکلات و فشارهای خارجی و داخلی زیادی روبه‌رو هستند، تحقق یافتن اقتصاد مقاومتی است به عبارتی تحقق یافتن اقتصاد مقاومتی در کشورهایی که در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد هجوم کشورهای دیگر می‌شوند اهمیت دارد. هدف این پژوهش بررسی نقش دانشگاه‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی از طریق زیرساخت‌های منابع انسانی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. جامعه پژوهش اساتید دانشگاه‌های مازندران با تأکید بر دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) می‌باشند که تعداد آنها حدود ۳۵۰۰ نفر است. پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی این تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، در بین ۴۷۰ نفر از اعضاء جامعه توزیع که تعداد ۴۲۰ پرسشنامه‌ی صحیح، جمع‌آوری شد. به منظور تحلیل داده‌ها از رویکرد معادلات ساختاری و از نرم افزار PLS استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که دانشگاه بر زیرساخت‌ها تأثیر معناداری بالاتر از حد متوسط دارد. از طرفی زیرساخت‌ها نیز بر اقتصاد مقاومتی تأثیر دارند. همچنین زیرساخت‌های فرهنگی، منابع انسانی و سیاسی - اجتماعی - اقتصادی نقش میانجی‌گیری ناقص را در ارتباط بین دانشگاه و تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: دانشگاه، زیرساخت فرهنگی، زیرساخت منابع انسانی، زیرساخت سیاسی، تحقق اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۴/۱۷

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی ساری

۲- استادیار گروه مدیریت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول: vahidfallah@yahoo.com)

۳- استادیار گروه مدیریت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

مقدمه

تغییرات روزافزون محیط اجتماعی و نقش بارز فناوری‌های اطلاعاتی در تشدید نرخ تحولات محیطی موجب گردیده است تا امروزه عناوینی همچون جامعه اطلاعاتی، اقتصاد اطلاعاتی و اقتصاد دانش‌محور، مکررا برای بیان خصیصه‌ها و ویژگی‌های اصلی جامعه بشری بکار گرفته شود. این تغییر کانون گفتمان اقتصادی از تمرکز بر عوامل سنتی تولید به اقتصاد مبتنی بر دانش، موجب بروز تحولات اساسی در ساختار دانشگاه و ماهیت روابط آن با محیط پیرامونی خود شده است (کلارک، ۱۹۹۸). در کشور ایران، ارتباط دانشگاه با محیط از طرق مختلفی صورت می‌گیرد. از مهمترین موضوعاتی که دانشگاه از آن طریق می‌تواند بر جامعه تاثیر بگذارد، تاثیری است که بر اقتصاد کشور می‌گذارد. چند سالی است مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی توسعه جمهوری اسلامی در کشور مطرح شده است. اقتصاد مقاومتی، الگویی است که در شرایط فشار و تحریم نیز پیشرفت کشور را تضمین می‌کند. بر این اساس، هر الگوی مدیریتی و اقتصادی و اجتماعی که در کشور بخواهد مورد بهره برداری قرار بگیرد، باید با الگوی توسعه کشور؛ یعنی اقتصاد مقاومتی هماهنگ بوده و به عبارتی برآمده از آن الگوی بالادستی باشد (واعظی و فدایی، ۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی از زیرساخت‌هایی تاثیر می‌پذیرد و این زیرساخت‌ها نیز متأثر از نقش دانشگاه هستند. مردم باید بتوانند از نظر فرهنگی، اعتقاد به اقتصاد مقاومتی داشته باشند. آنها باید فرهنگ مصرف را تغییر و به سمت تولیدات داخلی حرکت دهند. از طرفی دولت باید واردات را به صورت هدفمند انجام دهد و سرمایه‌گذاران نیز در کالاهای داخلی، محصولات و خدماتی که مواد اولیه آن از داخل تهیه شود. نبود این نگرش در بین دولت، مردم و سرمایه‌گذاران بعنوان یک مساله برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. از طرفی دانشگاه در بسیاری از زیرساخت‌هایی که در کشور وجود دارد، تاثیرگذار است. و اگر این زیرساخت‌ها به درستی ساخته نشود، تحقق اقتصاد مقاومتی دشوار است. از طرفی نقشی که زیرساخت‌ها در ارتباط بین دانشگاه و اقتصاد مقاومتی دارند کمتر مورد توجه قرار گرفت. همچنین تاکنون طبق شاخص‌های اقتصادی، اقتصاد مقاومتی محقق نشد در حالی که از سال ۸۹ و در جمع کارآفرینان، اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری بیان شد و پس از آن پیش زمینه‌هایی را برای تحقق اقتصاد مقاومتی بیان کرد. برای مثال سال‌هایی که تاکید بر موارد مرتبط با اقتصاد مقاومتی می‌شد شامل: همت مضاعف، کار مضاعف (توجه به زیرساخت اقتصادی)، جهاد اقتصادی (توجه به زیرساخت منابع انسانی، اقتصادی) تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی (توجه به زیرساخت اقتصادی-اجتماعی)، حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی (توجه به زیرساخت سیاسی-اقتصادی) اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی (توجه به زیرساخت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و منابع انسانی)، اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل و نهایتا اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال. به عبارتی تمامی تلاش مسئولین کشور به خصوص بالاترین مقام کشوری در چند سال اخیر تحقق اقتصاد مقاومتی، ابتدا از طریق پیش زمینه‌ها و سپس از طریق ذات اقتصاد مقاومتی بود. این تاکیدات نشان می‌دهد که هنوز اقتصاد مقاومتی محقق نشد به خصوص وقتی در اولین ساعت سال ۱۳۹۶ نیز با تاکید بر اقتصاد مقاومتی آغاز شد و مقام معظم رهبری با تاکید بر نام‌گذاری مجدد سال کنونی تحت عنوان اقتصاد مقاومتی، اشتغال و تولید، نشان دادند که اقتصاد مقاومتی هنوز محقق نشد و این خود، سندی محکم بر مسئله مدار بودن تحقق اقتصاد مقاومتی است. ایشان با آگاهی کامل از جنگ اقتصادی دشمن و اهداف آنها از تشدید فشار و تحریم‌ها علیه ایران، همیشه در تلاش برای ارائه برنامه‌ها و الگوهایی به منظور مقابله با این فشارها بودند و بر این باورند که یک راه حل عبور از مرحله حساس و بحرانی فعلی، توجه جدی به اقتصاد مقاومتی است. در این راستا، از آنجا که زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی لزوماً به بخش اقتصاد بازمی‌گردد بلکه جنبه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هم دارد. در مسیر اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بخش‌های مختلف کشور وظایفی دارند که نقش دانشگاه‌ها به‌عنوان پرچمداران اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی در این زمینه بی‌بدیل است. در واقع، امروزه توجه به تکمیل چرخه دانش و ثروت و مقوله تجاری‌سازی ایده‌ها و فناوری‌ها، سبب تغییر دیدگاه‌ها نسبت به انواع نهادهای اجتماعی از جمله دانشگاه شده است. دانشگاه به عنوان کانون اصلی علمی و تحقیقاتی در هر کشوری، باید خود را با این تغییرات تطبیق دهد. در اقتصاد دانش‌بنیان، به ویژه در صنایع جدید که رشد سریعی دارند، علم، تاثیری مهم‌تر و مستقیم‌تری بر نوآوری دارد. عواملی

مانند جهانی‌سازی، به همراه عوامل دیگر به عنوان جزیی از روند کلی به سوی توسعه‌ی سریع بازار دانش، ارتباط دانشگاه با جامعه را دچار تغییرات اساسی کرده است (اتسکوئیتز و لیدزدورف، ۲۰۰۰). براساس مطالعات جدید در این حوزه، همکاری بین جامعه، دانشگاه و دولت، در ارتقای سیستم ملی و محلی ضرورت دارد (فیلیپوت، دولی، ریلی و لیپتون، ۲۰۱۱). و از میان این سه عامل، دانشگاه‌ها به دلیل داشتن رسالت‌های جدیدترین دانش‌ها و فنون، نقشی پررنگ‌تر از سه بخش دیگر بر عهده دارند. در کشورهای درحال توسعه محیط‌های دانشگاهی معمولاً از صنعت فاصله زیادی دارند و ارتباطات ضعیفی میان آن دو نهاد وجود دارد. به تبع آن تحولات صنعتی در این کشورها به کندی انجام می‌شود. در حالی که در کشورهای صنعتی، روابط پویایی بین این نهادها شکل گرفته به گونه‌ای که شروع تحولات صنعتی در آن کشورها عموماً از محیط‌های دانشگاهی و آموزش عالی نشأت گرفته است. در واقع در کشورهای درحال توسعه، تولیدات علمی در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای بخش صنعت قرار نگرفته‌اند و نظارت‌های قانونی مورد نیاز توسط دولت اعمال نمی‌شوند. بررسی‌ها در مورد کشور ایران نشان می‌دهند طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، تعداد مقالات علمی تالیف شده توسط ایرانیان از ۱۴۶۴ به ۲۱۰۳۸ مقاله (تقریباً ۱۵ برابر) افزایش یافته است. در حالی که در همین دوره زمانی، تولید ناخالص داخلی ایران از ۱۰۱ میلیارد دلار به ۵۱۴ میلیارد دلار آمریکا افزایش یافته است (حدود ۵ برابر افزایش) این امر نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی در ایران، تابع میزان دانش تولید شده در کشور نمی‌باشد. به عبارت دیگر، دانش تولید شده در کشور، دانش مولد نمی‌باشد و قادر به بهبود جدی تولید ناخالص کشور نمی‌باشد. آمارهای مشابه آمارهای مورد بحث در دوره زمانی گفته شده نشان‌دهنده ۳/۷ برابر شدن تعداد مقالات و حدود سه برابر شدن تولید ناخالص داخلی ترکیه است که نشان‌دهنده وجود یک رابطه معنی‌دار بین خلق دانش و تولید ناخالص داخلی در کشور ترکیه است. آمارهای مورد نظر در جهان نیز به ترتیب رشد تولید ناخالص ۱۱۷ درصد و رشد مقالات ۱۶ درصد است. به عبارت دیگر در دنیا به ازاء هر یک درصد رشد در تعداد مقالات تالیف شده، تولید ناخالص داخلی، ۷ درصد رشد یافته است. رقم مشابه برای ترکیه ۱ درصد اما برای ایران تنها ۰/۳ درصد است. به عبارت دیگر مقالات تالیف شده در ایران حاوی دانش مولد و پاسخگوی نیازهای بخش صنعت نیست (مرکز ارجاع دهی علمی جهان اسلام، ۲۰۱۴ و بانک جهانی، ۲۰۱۴) در نتیجه مسئله‌ای بزرگ و یک شکاف نظری احساس می‌شود که چرا دانشگاه‌ها در ایران تاثیر مستقیمی نمی‌تواند بر رشد اقتصادی داشت باشند لذا این پژوهش به دنبال ارائه ی یک مدل از تاثیرگذاری دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی است. اگر قرار بود دانشگاه به طور مستقیم تاثیرگذار باشد این تاثیرگذاری کم بود، از طرفی دانشگاه می‌تواند از طریق زیرساخت‌های کشوری در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش مهمی داشته باشد. دانشگاه‌ها می‌توانند با تاثیراتی که در دولت و جامعه و به عبارتی بر زیرساخت‌های فرهنگی، منابع انسانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌گذارند، در تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کنند. با توجه به موارد بیان شده، این پژوهش به دنبال بررسی تاثیر دانشگاه‌ها بر اقتصاد مقاومتی از طریق زیرساخت‌های کشوری است.

مبانی نظری

اقتصاد مقاومتی، دانشگاه و زیرساختها

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان یا اقتصاد دانشی که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مورد تاکید خاص در استراتژی توسعه ملل قرار گرفته، گویای تاکید در نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصاد است؛ از این رو می‌توان گفت در اقتصاد دانش بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت‌تر از گذشته نگرسته می‌شود (استیگلیتز، ۱۹۹۸). اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است که در آن دانش خلق و اشاعه می‌یابد و به طور موثری توسط فعالان اقتصادی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلوب‌تر به کار گرفته می‌شود. در اقتصاد دانش محور مهمترین عامل بهره‌وری می‌باشد (رونی، ۲۰۰۵) که بهره‌وری نیز از اهداف اصلی اقتصادی از جمله اقتصاد مقاومتی است. برای

درک بهتر مفهوم اقتصاد مقاومتی، ریشه‌های اقتصاد مقاومتی و تعاریف اندیشمندان مختلف اقتصادی و مدیریتی در ادامه بیان می‌شود.

اولین بار اصطلاح علمی مقاومت از ادبیات فیزیک و مهندسی وارد حوزه علوم انسانی شد، در ادبیات روانشناسی مورد استفاده قرار گرفت. سپس این اصطلاح به ادبیات اقتصاد راه یافت و به عنوان یکی از ویژگی‌های مدل‌های اقتصادی به کار گرفته شد (زمان و وسیل، ۲۰۱۴). اقتصاد مقاومتی در ایران با صحبت‌هایی که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ داشتند و با ادامه تأکیدات تا سال ۱۳۹۱، ادامه داشت. منتظر (۲۰۱۶) در مطالعه خود به بیان اهمیت اقتصاد مقاومتی از منظر رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. وی بیان کرده است که علاوه بر این رهبر انقلاب اسلامی ایران در سال‌های اخیر، در کلمات خود بارها و بارها بر اقتصاد و جنگ اقتصادی که توسط دشمنان جمهوری اسلامی به منظور مقابله با پیشرفت‌های صورت گرفته است تأکید کرده‌اند و همچنین بارها به راه‌های مقابله با آن اشاره کرده‌اند و حتی در نام‌گذاری هر سال این موضوع را در نظر گرفته‌اند و از اقتصاد مقاومتی به عنوان یک نقطه شروع برای تحقیقات تجربی یاد کرده است. وی اقتصاد مقاومتی را به صورت توانایی کاهش تلفات ناشی از شوک اقتصادی تعریف می‌کند. اقتصاد مقاومتی در سطح خرد، (شرکت‌ها و افراد)، در سطح میانی (در گروه‌ها بخش‌ها و خوشه‌ها) و در سطح کلان (مناطق، کشورها) نمود پیدا می‌کند. از منظر وی اقتصاد مقاومتی ایستا توانایی برای حفظ عملکرد بدون نیاز به بازسازی و اقتصاد مقاومتی پویا را تغییر بهبود سریع پس از ایجاد شوک اقتصادی می‌باشد (وان برجیک، ۲۰۱۶). اقتصاد مقاومتی در ادبیات غربی به این مفهوم وجود ندارد، بلکه آن‌ها سعی کردند تا واژه‌ای هم معنی با اقتصاد مقاومتی پیدا کنند. با این حال از آنجایی که اقتصاد مقاومتی اصولاً در متون اقتصاد اسلامی وجود دارد، تاکنون نتوانسته‌اند واژه‌ای متناسب با مفهوم آن ارائه کنند (حشمتی، ۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی تفاوت زیادی با مفهوم اقتصاد حمایتی و یا ریاضت اقتصادی رایج در ادبیات اقتصادی غرب دارد. اقتصاد مقاومتی مکانیزم شناسایی حوزه‌های فشار و تحریم و کنترل آن فشارها است و با اقتصاد ریاضتی تفاوت ماهوی دارد. در اقتصاد مقاومتی بر خلاف اقتصاد ریاضتی، (حقوق‌ها) کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه تأکید بر استفاده از تمام ظرفیت‌ها است (معصومی نیا، ۱۳۹۱) به طور دقیق‌تر باید گفت، ریاضت اقتصادی به طریقی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود. گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. در مطالعات و بررسی متداول اقتصادی غرب، الگو و پیشینه نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمی‌توان یافت که برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم بانک مرکزی، تحریم صنعت نفت و موارد مشابه راهکار مشخصی ارائه شده باشد. اما در ترافیک نظریه‌های اقتصادی، نظریه‌های اقتصاد مقاومتی به چشم می‌خورد. در ادبیات اقتصاد مقاومتی رایج در جهان اصطلاحی تحت عنوان اقتصاد مقاومتی وجود ندارد. ولی واژه نزدیک به مفهوم آن اصطلاح تاب‌آوری اقتصادی می‌باشد که به معنای توان یک کشور به ایستادگی در برابر شوک‌های خارجی می‌باشد (بریگالیو و استفن، ۲۰۰۹). علاوه بر این آن‌ها بیان می‌دارند که اصطلاح تاب‌آوری اقتصادی به دو مفهوم می‌تواند استفاده شود: اول توانایی اقتصاد برای بهبودی سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و دوم توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر اثرات این شوک‌ها. توان اقتصاد برای بهبود یافتن از اثرات شوک‌های مخالف به شدت محدود خواهد شد به خصوص وقتی کسری‌های مالی مزمن وجود داشته باشد. از طرف دیگر این توان ارتقاء می‌یابد اگر ابزارهای سیاستی بتواند برای خنثی سازی اثرات منفی شوک‌ها مورد استفاده قرار گیرد، مانند موقعیتی که کشور از وضعیت مالی قوی برخوردار است و می‌تواند مخارج احتیاطی و یا تخفیف‌های مالیاتی را برای برخورد با اثرات منفی شوک‌ها مورد استفاده قرار دهد. این نوع از جهندگی اقتصادی نوعی تقابل با شوک می‌باشد.

بریگالیو و استفن (۲۰۰۹) برای اشاره به توان سیاست از اصطلاحی به نام «فتریت اقتصادی» ساخته یک اقتصاد برای بهبود آثار شوک‌های برون زای مخالف اقتصاد، استفاده کرده است. از منظر آن‌ها اصطلاح فتریت اقتصادی به دو مفهوم به کار می‌رود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و دوم، توانایی

اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها. توان اقتصاد برای بهبود یافتن از آثار شوک‌های مخالف به شدت محدود خواهد شد اگر برای مثال، کسری‌های مالی مزمن وجود داشته باشد. از طرف دیگر، این توان ارتقا خواهد یافت اگر ابزارهای سیاستی بتواند برای خنثی‌سازی آثار منفی شوک‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ مانند موقعیتی که کشور از وضعیت مالی قوی برخوردار است و می‌تواند مخارج احتیاطی یا تخفیف‌های مالیاتی را برای برخورد با آثار منفی شوک‌ها است «تقابل با شوک» مورد استفاده قرار دهد. این نوع فنریت اقتصادی نوعی توانایی ایستادن در برابر شوک‌ها هنگامی متصور است که شوک‌ها خنثی یا ناچیز باشند. همچنین این نوع فنریت هنگامی ممکن است که اقتصاد از مکانیسم‌هایی از آن نام «جذب شوک» برخوردار باشد که آثار شوک‌ها را کاهش دهد که با عنوان برده می‌شود. برای مثال، وجود بازاری انعطاف پذیر می‌تواند به عنوان ابزاری برای جذب شوک‌ها عمل کند.

زیربنای اصلی توسعه کشورها، حوزه علم و فناوری و در واقع، دانشگاه است. اساساً پیشرفت کشورها، بدون پیشروی در حوزه علم و فناوری، امری خیالی است و کشورهایی که بر خلاف این و با واردات محصولات علمی و فناوریانه قصد شکوفایی دارند، نه تنها به پیشرفت حقیقی نمی‌رسند، بلکه روز به روز بر وابستگی و خودناباوری آنها افزوده می‌شود. تنها پیشرفتی مورد قبول است که بتواند وابستگی کشور را کم کند و متکی به داخل و درون‌زا باشد. از طرفی مدیریت صحیح پیشرفت علم و فناوری در کشور، مستلزم یک نظام مدیریت راهبردی و مدیریت کلان کارآمد است و الگویی می‌تواند کارآمدی را تضمین کند که متکی به داخل و منطبق بر الگوی عمومی توسعه کشور باشد. مأموریت دانشگاه‌ها نیز در بستر زمان، همگام با تحولات و دگرگونی‌های جهانی و در راستای هدف پاسخگویی به نیازهای اقتضایی جوامع، دچار تحول شده است (اتز کوئیتز و لیدز دورف، ۲۰۰۰). اهمیت دانشگاه‌ها و تاثیر آن‌ها بر جامعه بر هیچ کس پوشیده نیست و در تحقیقات فراوانی به آن اشاره شده است. برای مثال راثو و مالوث (۲۰۱۶) در مطالعه خود به تحقیقاتی اشاره کردند که پیرامون نقش دانشگاه و اثرات آن بر جامعه بحث شده است. آنها بیان کردند که محققینی همچون مارکوسن (۱۹۹۶) و پورتر (۱۹۹۰) با تاکید بر نقش توسعه دهنده تکنولوژی به فعالیت‌های آکادمیکی که منجر به توسعه تکنولوژی‌های جدید و پرورش نیروهای مستعد می‌شود، کیبل و ویلیسنسون (۱۹۹۰) و لاوسون و لورنز (۱۹۹۹) با تاکید بر این‌که دانشگاه مکانی است برای یادگیری جمعی به دانش و فرایند ایجاد آن در دانشگاه، برزنتیز و آندرسون (۲۰۰۶)، کلاریس و همکاران (۲۰۰۵)، گرگوریو و شان (۲۰۰۳)، هندرسون (۲۰۰۶)، اوشتا و همکاران (۲۰۰۵) و اسلاتر و موهر (۲۰۰۶) با تاکید بر مشارکت مالی و اجتماعی دانشگاه در جامعه به انتقال دانش و دی گرگوریو و شان (۲۰۰۳)، رایت و همکاران (۲۰۰۷)، آلدریج و آندرسون (۲۰۱۱)، فاینی و همکاران (۲۰۱۰)، دی گرگوریو و شان (۲۰۰۳)، پاورز و مک دوگال (۲۰۰۵) و وان لوی و همکاران (۲۰۱۱) با تاکید بر ایجاد مراکز رشد به تجاری سازی نتایج حاصل از دانش فنی و همه نوع دانش تولید شده در دانشگاه و بهبود محصولات تولید شده در مراکز رشد اشاره کردند. از زمان تاسیس دانشگاه‌های سنتی که در آن‌ها، آموزش، بیشترین اهمیت را به خود اختصاص می‌داد، دیر زمانی است که می‌گذرد. گرایش به پیشبرد علم، این دانشگاه‌های سنتی را به دانشگاه‌های نسل اول بدل ساخت که در آن تحقیقات بنیادی، مقام نخست را حائز کرده بود. با گذشت زمان و نیاز صنعت به پژوهش‌های خاصی که در راستای برآورده ساختن اهداف توسعه صنعتی بود، دانشگاه‌های نسل دوم پدید آمدند. در این دانشگاه‌ها پژوهش‌های کاربردی جایگاه برتر را اشغال می‌کرد و صاحبان صنایع در راستای اهداف اقتصادی و در قالب واحدهای تحقیق و توسعه اقدام به تاسیس موسسه‌های علمی و تحقیقاتی کردند. پس از چندی با توجه به سرعت سرسام‌آور، به ویژه در عرصه فن‌آوری‌های پیشرفته، ارتباط پیچیده صنعت و دانشگاه و لزوم پدیده نوآوری فناورانه به عنوان مهمترین شاخص بهره‌وری شناخته شدند. نسل سوم دانشگاه، نظام ارتباطات صنعت و دانشگاه، انجمن‌های حرفه‌ای مراکز تحقیقاتی مستقل، شرکت‌های خدمات تخصصی و زیرسیستم‌های پشتیبان، در یک اقتصاد دانش بنیان است. در انقلاب سوم، نقش دانشگاه‌ها در ارتقاء تکنولوژیک در سطح جامعه و صنعت حائز اهمیت است (لاندوال، ۲۰۰۲). دانشگاه‌های نسل سوم نقش مهمی را در تحقق اقتصاد مقاومتی دارند. چراکه آن‌ها با نظام‌های ارتباطات صنعت و دانشگاه و سایر موارد فوق الذکر در

زیرساخت‌های کشوری تاثیر می‌گذارند و باعث یا مانع تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شوند. با توجه به موارد ارائه شده، فرضیات اول تا سوم و هفتم به صورت زیر است.

فرضیات اول تا سوم: دانشگاه بر زیرساخت‌های الف) منابع انسانی ب) سیاسی - اجتماعی ج) فرهنگی تاثیر دارد. فرضیه هفتم: دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی تاثیر دارد.

نقش تاثیرگذاری و میانجی زیرساخت‌ها

در زندگی امروزه ثروتی بهتر است که از علم به دست آید و علمی بهتر است که بتوان از آن ثروت به دست آورد و مصداق این موضوع ایجاد و توسعه صنایع دانش بنیان است. جهانی شدن، زیرساخت‌های قابل اطمینان و فرهنگ جامعه را می‌توان از مهمترین شرایط ظهور شرکت‌های دانش بنیان دانست، زیرساخت‌ها از خطوط ساده اینترنت و حمل و نقل گرفته تا دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و فناوری یک منطقه همه در بروز شرکت‌های دانش بنیان موثرند (سویی، ۲۰۰۱). نظام دانشگاهی کشور ناگزیر از پرداختن به مقوله توسعه و پیشرفت متناسب با الگوی کلی توسعه یا پیشرفت جامعه است. این معنا در نظام علمی و دانشگاهی اهمیت دو چندان پیدا می‌کند؛ زیرا از طرفی خود نظام دانشگاهی متأثر از الگوی توسعه است و از طرف دیگر، زیرساخت الگوی توسعه متأثر از نظام علمی و دانشگاهی است. از این حیث، به کارگیری الگوی اقتصاد مقاومتی در فضای علمی و دانشگاهی کشور نیز یک ضرورت برای توسعه عمومی کشور است (واعظی و فدایی، ۱۳۹۴). چگونگی این فرایند و مؤلفه‌های اثرگذار آن، موضوع تحقیق حاضر است. اولین شرط پیاده سازی اقتصاد مقاومتی داشتن روحیه مقاومت است و روحیه یک ملت، بیش از هر چیز دیگری به باورهای آن ملت برمی‌گردد. باورهای هر کشور نیز در داخل خانواده‌ها شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، در خانواده‌ها نیز بیشترین تاثیر از بین افراد دانشگاهی و دانشجو است. دانشجویان از نظر موضوعات اقتصادی می‌توانند برای هم سن و سال‌های خودشان به عنوان الگو عمل کنند و اعضای خانواده نیز از آنها به عنوان شخصیت‌های علمی استفاده می‌کنند. از طرفی دانشجویان پس از اتمام دانشگاه، به طور معمول وارد خانه، محیط کار و یا جامعه می‌شوند. از طرفی دانشجویان نیز از اساتید خود الگو می‌گیرند. در این حالت اساتید دانشگاه می‌توانند با فرهنگ سازی در راستای پیشرفت زیرساخت‌های کشوری و ایجاد روحیه مقاومتی تاثیرگذار باشند. بطور کلی دانشگاه می‌بایست همراه با تقویت ایمان و وحدت در بین دانشجویان، در مورد مسائل روز روشنگری نمایند تا آنان نیز برای خانواده‌های خود اوضاع و اهداف را به خوبی تبیین نمایند (میرباقری، ۱۳۹۳).

لذا موضوع زیرساخت فرهنگی نیز یکی از موضوعات مرتبط با تحقق اقتصاد مقاومتی است. جریان اقتصاد مقاومتی یک جریان فرهنگی و در بستر انقلاب اسلامی است. در حقیقت اقتصاد مقاومتی الگویی الهام بخش از اقتصاد اسلامی را عینیت می‌بخشد. پس حتماً باید دید ایدئولوژیک و فرهنگی نسبت به آن داشت چرا که برگشت آن به اسلام است. جریان اقتصاد مقاومتی یک جریان فرهنگی و در بستر انقلاب اسلامی است. در حقیقت اقتصاد مقاومتی الگویی الهام بخش از اقتصاد اسلامی را عینیت می‌بخشد. پس حتماً باید دید ایدئولوژیک و فرهنگی نسبت به آن داشت چرا که برگشت آن به اسلام است. محور سوم موضوعی است که تا حدی مغفول مانده است و کمتر به آن پرداخته شده است. اقتصاد مقاومتی جنبه بومی دارد و برآمده از فرهنگ بومی و اسلامی و انقلابی است اما مبتنی بر دلایل علمی (درخشان، ۱۳۹۳).

از طرفی دیگر اقتصاد مقاومتی اقتصادی متکی بر علم و دانش است. اولین مقدمه در اقتصاد متکی بر دانش و فناوری انتقال دانش و فناوری است. اما خود آن نیازمند ظرفیت جذب است. پس گام اول ایجاد قابلیت جذب است. این قابلیت جذب در محیط‌های آموزشی به وجود می‌آید (درخشان، ۱۳۹۳). دانشگاه می‌تواند از طریق انجام پایان نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی جهت انجام تحقیقات بنیادی توسعه‌ای و کاربردی در زمینه اقتصاد مقاومتی به غنای بیشتر این مبحث افزوده و راهکارهایی اجرایی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور را ارائه نماید. همچنین دانشگاه با حمایت فعال سازی مراکز رشد و تاسیس شرکت‌های دانش بنیان می‌تواند نقش به سزایی را در تولید و تجاری سازی علم،

توسعه کار آفرینی و نوآوری ارتباط با صنعت و در نهایت تحقق اقتصاد دانش بنیان ایفا نماید. بازنگری در مورد فرایندهای مربوط به پایان نامه ها و رساله های دانشگاه و نیز مقررات مراکز رشد و شرکت های دانش بنیان می تواند در این زمینه راه گشا باشد.

با توجه به سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و نیز مأموریت های محوله از سوی معاون اول رئیس جمهور به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب این سیاست ها، مقرر گردید "پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور، ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه" در مقاطع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در دستور کار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گیرد (اکبری و میرزاحسینی، ۱۳۹۴). بر این اساس امروزه تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند موتور محرکه ای است که بتواند تحرک لازم را در قوای سه گانه و دستگاه های زیرمجموعه ایجاد نماید و در این میان نقش آفرینی نخبگان دانشگاهی حائز اهمیت ویژه ای می باشد. علاوه بر این عموماً استراتژی های دانشگاهی وارد سازمان های تصمیم گیر و سپس وارد نهادهای اجرایی می شوند (بهبودی و امیری، ۱۳۸۹) یعنی بهترین مکان برای پرداختن و تئوریزه کردن ایده ها دانشگاه ها هستند. زیرا سازمان ها و نهادهای اجرایی توان، حوصله و فرصت پرورش و کاربرد کردن ایده ها را ندارند. در این راستا دانشگاه ها با اجرایی نمودن طرح تشکیل کمیسیون های اقتصاد مقاومتی در دو سطح اساتید و دانشجویان به بحث و گفتگو پیرامون این موضوع می پردازند و اقدامات و برنامه های پیش بینی شده جهت تحقق اقتصاد مقاومتی را پیگیری می نمایند. از سوی دیگر برای اینکه دانشگاه ها در مأموریت های خود موفق عمل کنند باید با استفاده از نظرات همه اقشار دانشگاهی، محیطی با نشاط و پویا فراهم آورند و ارتباطات دانشگاه ها با مراکز علمی بین المللی نیز بیش از پیش تقویت شود. دانش باید در طول فعالیت های اقتصادی و در مراحل تولید به کار گرفته شود. هر دانشجو در دانشگاه مسئولیت دارد که خود را برای انجام کارهای بزرگ در آینده آماده کند و دانشجویان و دانش آموختگان می توانند در قالب کار آفرینان و کارکنان دانش، پیشتازان بارور کردن حرکتی عظیم در کشور و نهادینه کردن آن در بخش های اقتصادی باشند (فکور و حاجی حسینی، ۱۳۸۷)

از طرفی دانشگاه ها به ویژه دانشگاه علوم دریایی با توجه به سهم بسیار زیادشان در تولید علم در کشور به ویژه توانمندی گسترده ناشی از تحصیلات تکمیلی بودن می توانند تا در ایجاد فرهنگ اقتصاد مقاومتی گام موثری بردارند. دانشگاه ها با سرمایه گذاری و اجرای راهکارهای زیاد می توانند موجبات گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی را فراهم آورند برای مثال از طریق سوق دادن پایان نامه ها و تحقیقات دانشگاهی به سمت اقتصاد مقاومتی (زیرساخت فرهنگی و منابع انسانی)، ایجاد شوق لازم برای برانگیختن قدرت اراده و خلاقیت در بین پژوهشگران و حمایت از آنان و ایجاد زمینه هایی برای کشف استعدادها و خلاقیت ها (زیرساخت منابع انسانی و فرهنگی)، تشویق کار تیمی، همکاری، تعاون و اصلاح نگرش ها و رفتارهای عمومی در خصوص کار و کار کردن به همراه نقد فرهنگ عمومی در انجام امور به شکل تکروی و تفرد خواهی (زیرساخت اجتماعی و فرهنگی)، پرداختن به نقش راهبرهای آموزشی و یادگیری در زمینه اقتصاد مقاومتی و ایجاد سرفصل های آموزشی برای اصلاح و تغییر در شیوه ها (تمامی زیرساخت ها)، معرفی مدل و الگوی مطلوب اقتصادی با تکیه بر اصول علمی و آموزش اسلامی (تمامی زیرساخت ها)، آگاهی بخشی نسبت به پیامدهای منفی و زیان بار بی توجهی به نیازهای اسلامی کشور و اطلاع رسانی در مورد آثار مثبت نقش اقتصاد مقاومتی و کارکردهای سازنده آن در استقلال اقتصادی کشور، برگزاری کارگاه های آموزشی در سطح مدیران، اعضای هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان، همایش و سخنرانی های علمی در سطح گروه، دانشکده و دانشگاه و نیز استفاده از ظرفیت های موجود در دانشگاه مانند نشریات، فصلنامه ها، پیک ها، صفحات اینترنتی و سایر ابزارها و وسایل ارتباط جمعی در راستای فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی، ایجاد زمینه هایی جهت جلوگیری از ترویج فرهنگ ناسالم تجمل گرایی و رفتارهای اسراف کارانه و تقبیح فرهنگ روزمرگی و به طور کلی معرفی الگوی مصرف اسلامی به عنوان بهترین الگوی مصرف (اکبری و میرزاحسینی، ۱۳۹۴).

دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه علوم دریایی جهت فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی موثر باید به عنوان یکی از پیش‌تازان در این عرصه گام بردارند و اقدام به تحقق و اجرای اقتصاد مقاومتی نمایند. دانشگاه‌ها جهت محقق ساختن این مفهوم اقدام به توسعه شرکت‌های دانش بنیان در دانشگاه می‌نمایند. دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با توجه به نقش اساسی در تولید دانش یکی از مهمترین مراکز زایش شرکت‌های دانش بنیان می‌باشند و تشکیل این شرکت را در اولویت خود قرار داده و سیاست‌های راهبردی را تعیین کرده و اقدام به تشکیل آیین‌نامه‌های داخلی مورد نیاز نمایند. در این راستا به منظور بررسی نقش زیرساخت‌ها، فعالیت‌هایی که می‌توانند در شرکت‌های دانش بنیان دانشگاه به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی انجام شود تجاری سازی یک ایده از فعالیت پژوهشی تا مرحله تولید صنعتی یا فروش دانش فنی، ارائه خدمات علمی و مشاوره‌ای و صنعتی، اخذ پروژه‌های دولتی، عمرانی یا غیر عمرانی و ... است. تجاری سازی دانشگاهی فرایندی است که ایده، نتیجه تحقیق یا اختراع حاصل از بخش دانشگاهی را به محصولات، خدمات و فرایندهای قابل عرضه در بازار تبدیل می‌کند. موانع موفقیت تجاری سازی در دانشگاه‌ها در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی مثل کمبود سرمایه‌گذاری فرهنگ، سیاست بازدارنده، کمبود منابع مالی و انسانی، تفاوت در دیدگاه‌های صنعت و دانشگاه، وجود نیاز به بهبود در روش‌های مدیریت مالکیت فکری و ... است. از مهمترین عوامل کلیدی موفقیت در تجاری سازی فن‌آوری در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به تمرکز بر بازار، فرهنگ سازی، سازمان و مدیریت داخلی، مدیریت حقوق مالکیت فکری، کارآفرینی و سیستم‌های مدیریتی تجاری سازی در دانشگاه‌ها، کیفیت تحقیقات انجام شده، در دسترس بودن منابع مالی مخاطره‌پذیر است (اکبری و میرزاحسینی، ۱۳۹۴). در نتیجه توجه به نقش واسطه زیرساخت‌ها در این ارتباط بیشتر مشخص می‌شود. به منظور انجام امور اجرایی درون دانشگاه، مدیریت و اصلاح الگوی مصرف، صرفه جویی در هزینه‌ها، استفاده بهینه از منابع و داراییهای موجود و خرید کالاها، اقلام و مواد مصرفی دانشگاه از بین تولیدات داخلی به منظور حمایت از تولیدکنندگان کشور و ترویج و مصرف کالاهای داخلی می‌تواند کمک به سزایی را در تحقق اقتصاد مقاومتی در دانشگاه داشته باشد. همچنین افزایش بهره‌وری سرمایه انسانی (مدیران، اعضای هیأت علمی و کارکنان) در دانشگاه نیز کمک شایانی در تحقق این امر می‌نماید (اکبری و میرزاحسینی، ۱۳۹۴).

از طرفی دیگر، عموماً گسترش نقش دانش در اجتماع و توسعه نقش دانشگاه در اقتصاد، بر اساس روابط دانشگاه، صنعت و دولت تحلیل می‌شود. وقتی دانشگاه، صنعت و دولت برای توسعه اقتصادی در تحقیقات دانشگاه مشارکت می‌کنند، شبکه‌ای از تعاملات به صورت پیش ایجاد می‌شود. از طریق این تعاملات سه نهاد مذکور، فراتر از مأموریت توسعه اقتصادی به طور فزاینده‌ای به ایجاد دانش پایه و تولید نظام‌مند نوآوری علمی کمک می‌کند (اتزکوئیتز، ۲۰۰۳). اینکه تا چه حد، تولیدات دانش به تولیدات کالاهای حاوی دانش و فناوری بالا تبدیل می‌شود، در تولیدات بخش صنعت قابل مشاهده است. در واقع کاربرد دانش در صنعت صورت می‌گیرد. به دلیل تغییرات روزافزون دانش، بنگاه‌ها و بخش صنعت پیوسته باید با دانش‌های جدید آشنا شوند و آنها را فرا گرفته و به کار ببرند. بنابراین تعامل دانشگاه و صنعت در این زمینه می‌تواند از یک سو در تولید دانش و از سوی دیگر در کاربردی کردن دانش، از طریق فرایند یادگیری در حین انجام دادن، نقش داشته باشد. در واقع بخش صنعت دانش را به ثروت تبدیل می‌کند. استفاده از دانش منجر به بهبود فرآیندهای نوآوری در رقابت اقتصادهای اروپایی، نقش تولیدی، تولید محصولات با فناوری بالا و رقابت پذیر شدن تولیدات در سطح جهانی خواهد شد. لاندوال بیان می‌کند که یادگیری برای نوآوری بسیار حیاتی است. اهمیت روند تغییر در دانش به دلیل اهمیت دانش نیست، بلکه به این دلیل است که سرعت تغییرات نسبت اقتصاد به گذشته، به شدت افزایش یافته است (لاندوال و دیگران، ۲۰۰۸). بنابراین، نیاز است بنگاه‌ها و کارمندان به طور مداوم قابلیت‌های جدید را از دانشگاه‌ها فرا گیرند. شرکت‌های دانش بنیان که توسط دانشگاه‌ها ایجاد می‌شوند (در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی) برای افراد، بنگاه‌ها و کشورهایی که در تحقق آن موفق بوده‌اند، دستاوردهای زیادی با خود به ارمغان آورده است. اما برای کشورهایی که از آن غفلت کرده‌اند تهدیدهایی ایجاد کرده است. در اقتصاد دانش‌بر، مزیت اصلی رقابتی، نوآوری و میزان فناوری و دانش به کار رفته شده در تولید محصولات است. به این ترتیب، قیمت مواد اولیه و خام که نوآوری و دانش به کار برده شده در عرضه آنها نزدیک به صفر است. هر چند ممکن است ظاهراً با یک نرخ آرام در حال رشد باشد، اما سهم نسبی

قیمت مواد اولیه از ارزش افزوده کل تولید یک واحد محصول و نیز کل اقتصاد، با سرعت در حال کاهش است. لذا زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی نیز در این راستا اهمیت زیادی دارند.

در نهایت باید گفت دانشگاه باید برای اصلاح و تغییر در شیوه‌ها و سر فصل‌های آموزشی برنامه داشته باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه بوده و منابع انسانی خلاق کار آفرین و نوآور به جامعه تحویل دهد. در راستای فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی، دانشگاه با برگزاری کارگاه‌های آموزشی در سطح مدیران، اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان، سخنرانی‌های علمی در سطح گروه و دانشگاه و نیز استفاده از ظرفیت‌های داخلی مانند نشریات، فصلنامه‌ها، پیک‌ها، صفحات اینترنتی به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک می‌کند. با توجه همه ظرفیت‌های دانشگاه‌ها، این حوزه علمی پژوهشی با پتانسیل بسیار زیاد فرهنگی و پژوهشی می‌تواند در ایجاد زیرساخت‌های مختلف ایفای نقش کند و از این طریق چرخ اقتصاد مقاومتی را به خوبی بچرخاند به شرطی که در مسیر پیش‌رو با توجه به چشم‌انداز به وظایف خود عمل کند. در این میان زیرساخت فرهنگی با مولفه‌های مردم، دولت و بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران مورد بحث می‌باشد و در بعد زیرساخت منابع انسانی مولفه‌های مدیران عالی، میانی و سرپرستی - کارمندان و کارگران مورد بررسی قرار می‌گیرد و همچنین بعد زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مولفه‌های مردم و مسئولان اجرایی تشریح می‌گردد. هر کدام از مولفه‌های مطروحه دارای شاخص‌های مربوط به خود می‌باشند که با توجه به اهمیت هر یک مورد کنکاش قرار می‌گیرد. لذا فرضیه‌های چهارم تا دهم به صورت زیر مفهوم‌سازی می‌شود:

فرضیات چهارم تا ششم: زیرساخت‌های الف) منابع انسانی ب) سیاسی - اجتماعی ج) فرهنگی بر اقتصاد مقاومتی تاثیر دارد.

فرضیه هشتم: زیرساخت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نقش واسط را در ارتباط بین دانشگاه و تحقق اقتصاد مقاومتی دارد.

فرضیه نهم: زیرساخت فرهنگی نقش واسط را در ارتباط بین دانشگاه و تحقق اقتصاد مقاومتی دارد.

فرضیه دهم: زیرساخت منابع انسانی نقش واسط را در ارتباط بین دانشگاه و تحقق اقتصاد مقاومتی دارد.

روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق اساتید دانشگاه‌های استان مازندران با تاکید بر دانشگاه علوم دریایی امام خمینی هستند که در زمینه اقتصاد آگاهی لازم را دارند. به طور متوسط تعداد این اساتید ۳۵۰ نفر است. بدین منظور با استفاده از فرمول کوکران نمونه ای متشکل از ۴۱۰ نفر برای پاسخ به پرسشنامه ی محقق ساخته که از روشی کیفی بدست آمده و روایی محتوای آن مورد تایید قرار گرفت، استفاده شد. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۴ سؤال عمومی در مورد جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کاری و ۸۰ سؤال مرتبط با متغیرهای پژوهش بوده‌اند. برای سنجش ابعاد اقتصاد مقاومتی از ۵ سوال، متغیر میانجی ۷۰ سوال و ابعاد دانشگاه، ۵ سوال استفاده شده است. این پرسشنامه‌ها از نوع بسته پاسخ با طیف پنج گزینه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد بوده است. روایی صوری پرسشنامه با توجه به نظرات ۳ نفر از اساتید دانشگاه که در زمینه مدیریت و ۳ نفر که در زمینه اقتصاد دارای تخصص می باشند ارزیابی گردید. روایی سازه‌ای پرسش‌نامه نیز با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار Smart PLS مورد ارزیابی قرار گرفت. ابتدا برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، با توجه به این که مقدار شاخص KMO برای تمام متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۵ و سطح معنی داری در آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. همچنین با توجه به اینکه مقدار بارهای عاملی برای تمام متغیرهای آشکار بالای ۰/۳ بود هیچ کدام از گویه ها کنار گذاشته نشدند. به منظور تعیین پایایی آزمون، روش آلفای کرونباخ به کار گرفته شد که نتایج

آن در جدول ۲ آورده شده است. تمامی مقادیر بالای ۰/۷ بود و می‌توان نتیجه گرفت ابزار از پایایی لازم برخوردار است. جدول (۱) آزمون کفایت داده‌ها

جدول (۱) شاخص KMO و آزمون بارتلت

آزمون کفایت حجم نمونه کیزر- می-یر- اکلین (KMO)	۰/۹۰۶
آزمون کرویت بارتلت و تقریب کای اسکوئر	۲۱۰۶/۶۱۰
درجه آزادی	۱۵۳
Sig	۰

جدول (۲) ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

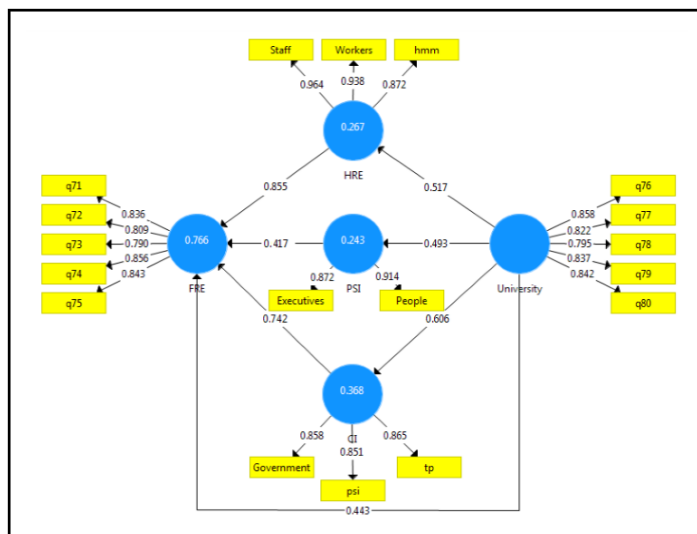
متغیر	نوع مقیاس	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
دانشگاه	طیف پنج‌تایی لیکرت	۵	۰/۸۸۶
زیرساخت‌های سیاسی	طیف پنج‌تایی لیکرت	۱۵	۰/۷۴۸
زیرساخت‌های فرهنگی	طیف پنج‌تایی لیکرت	۳۰	۰/۸۲۱
زیرساخت‌های منابع انسانی	طیف پنج‌تایی لیکرت	۲۱	۰/۹۱۶
اقتصاد مقاومتی	طیف پنج‌تایی لیکرت	۵	۰/۸۸۳

یافته‌های تحقیق

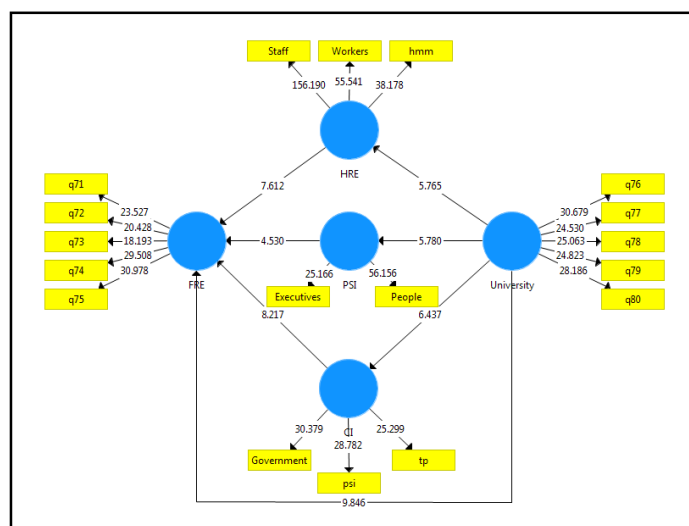
مشخصات پاسخ‌دهندگان در این مطالعه با استفاده از ۴ متغیر جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، میزان تحصیلات و سابقه کار و صرفاً جهت گزارش سیمای آزمودنی‌ها، مورد بررسی قرار گرفت. ۴۱/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان زن و ۵۸/۵ درصد از آن‌ها مرد بودند. ۷/۲۱ درصد از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۳۵ سال، ۳۶/۶ درصد بین ۳۵ تا ۴۰ سال، ۴۱/۷ درصد بالاتر از ۴۰ سال سن داشتند. از لحاظ میزان سطح تحصیلات، ۲۱/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان فوق‌لیسانس و ۸۵/۵ درصد دکتری بودند. ۲۵/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان سابقه کاری کمتر از ۱۰ سال، ۳۹ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۳۵/۹ درصد سابقه کاری بالاتر از ۲۰ سال داشتند. در این پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ و روش حداقل مربعات جزئی^۲ جهت آزمون فرضیات و برازندگی مدل استفاده شده است. در شکل ۱ مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد و در شکل ۲ مدل تحقیق در حالت معنی‌داری پارامترها آورده شده است.

1- Structural Equation Modeling (SEM)

2- Partial least Squares (PLS)



شکل (۱) مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد



شکل (۲) مدل تحقیق در حالت معنی داری پارامترها

در جدول شماره ۳ نتایج فرضیه های تحقیق (فرضیه های مستقیم) آورده شده است.

جدول (۳) خلاصه ی نتایج آزمون فرضیه های پژوهش (فرضیه های مستقیم)

فرضیه	ارتباط متغیرهای مکنون	ضریب مسیر	p-value	نتیجه
۱	دانشگاه بر زیرساخت های منابع انسانی تاثیر دارد	۰/۵۱۷	۵/۷۶۵	تأیید فرضیه
۲	دانشگاه بر زیرساخت های سیاسی تاثیر دارد	۰/۴۹۳	۵/۷۸۰	تأیید فرضیه
۳	دانشگاه بر زیرساخت های فرهنگی تاثیر دارد	۰/۶۰۶	۶/۴۳۷	تأیید فرضیه
۴	زیرساخت های منابع انسانی بر اقتصاد مقاومتی تاثیر دارد	۰/۸۵۵	۷/۶۱۲	تأیید فرضیه
۵	زیرساخت های سیاسی بر اقتصاد مقاومتی تاثیر دارد	۰/۴۱۷	۴/۵۳۰	تأیید فرضیه
۶	زیرساخت های فرهنگی بر اقتصاد مقاومتی تاثیر دارد	۰/۷۴۲	۸/۲۱۷	تأیید فرضیه
۷	دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی تاثیر دارد.	۰/۴۴۳	۹/۸۴۶	تأیید فرضیه

تحلیل میانجی گری

تحلیل میانجی گری، در واقع انجام مرحله به مرحله تحلیل رگرسیون به منظور تأیید نقش متغیر میانجی گر در رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته است (بارون و کنی، ۱۹۸۶). گذراندن چهار گام برای تأیید نقش یک متغیر به عنوان متغیر میانجی گر، ضروری می‌باشد. گام اول این است که متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه‌ی معنادار داشته باشد. در گام دوم معناداری رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و میانجی گر، و در گام سوم معناداری رابطه‌ی بین متغیرهای میانجی گر و وابسته بررسی می‌شود. گام چهارم این است که وقتی متغیر میانجی گر وارد معادلات رگرسیونی می‌شود، رابطه‌ی بین متغیر مستقل و وابسته غیرمعنادار شود که در این حالت متغیر مورد نظر، میانجی گر کامل است و یا اینکه این رابطه در حضور متغیر میانجی گر کاهش یابد [حداقل ۱۰٪] ولی همچنان معنادار باقی بماند، که در این حالت نقش متغیر میانجی گر، جزئی خواهد بود. در ارتباط با فرضیه های هشتم، نهم و دهم تحقیق، تأثیر دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی به واسطه زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت از آنجاکه مقدار ضریب مسیر در تاثیر دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی از طریق نقش واسطه زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی مثبت و معنی دار می‌باشد، لذا فرضیه های هشتم تا دهم تحقیق و نقش زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی به‌عنوان متغیرهای میانجی مورد تأیید قرار می‌گیرد. لذا همان گونه که در جدول ۴ نشان داده شده است، نتایج حاکی از معناداری ضرایب در ۴ گام بوده است و با ورود زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی به معادلات رگرسیونی اثر دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی از ۰/۵۴۵ به ۰/۳۲۵، ۰/۴۱۹ و ۰/۳۸۴ کاهش یافته و کماکان معنادار باقی مانده است. بنابراین نقش زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی میانجی گری جزئی است. در جدول شماره ۴ تحلیل میانجی گری برای زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی آورده شده است.

جدول (۴) تحلیل میانجی گری برای زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی

گام	متغیر مستقل	متغیر وابسته	β	C.R	Sig
۱	دانشگاه	اقتصاد مقاومتی	۰/۵۴۵	۲۲/۰۴۵	۰/۰۰۰
۲	دانشگاه	زیرساخت های منابع انسانی	۰/۵۱۷	۷/۳۹۴	۰/۰۰۰
۳	زیرساخت های منابع انسانی	اقتصاد مقاومتی	۰/۴۹۲	۶/۹۲۲	۰/۰۰۰
۴	دانشگاه	زیرساخت های منابع انسانی	۰/۳۲۵	۱۸/۲۸۵	۰/۰۰۰
۱	دانشگاه	اقتصاد مقاومتی	۰/۵۴۵	۲۲/۰۴۵	۰/۰۰۰
۲	دانشگاه	زیرساخت های سیاسی	۰/۴۸۹	۶/۸۷۳	۰/۰۰۰
۳	زیرساخت های سیاسی	اقتصاد مقاومتی	۰/۴۶۸	۶/۴۹۰	۰/۰۰۰
۴	دانشگاه	زیرساخت های سیاسی	۰/۴۱۹	۱۸/۶۷۶	۰/۰۰۰
۱	دانشگاه	اقتصاد مقاومتی	۰/۵۴۵	۲۲/۰۴۵	۰/۰۰۰
۲	دانشگاه	زیرساخت های فرهنگی	۰/۶۰۶	۹/۳۲۲	۰/۰۰۰
۳	زیرساخت های فرهنگی	اقتصاد مقاومتی	۰/۵۴۸	۸/۰۲۱	۰/۰۰۰
۴	دانشگاه	زیرساخت های فرهنگی	۰/۳۸۴	۱۷/۱۵۰	۰/۰۰۰

جهت محاسبه میزان اثر غیرمستقیم اثر دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی همان گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌گردد به ترتیب مقدار ضریب مسیر در تاثیر دانشگاه بر زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی برابر ۰/۵۱۷، ۰/۴۸۹ و ۰/۶۰۶ و تاثیر زیرساخت های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی بر اقتصاد مقاومتی برابر ۰/۴۹۲، ۰/۴۶۸ و ۰/۵۴۸

محاسبه گردید؛ بنابراین، آن گونه که در زیر محاسبه شده است، میزان اثر غیرمستقیم دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی به واسطه زیرساخت‌های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی برابر با ۰/۲۵۴، ۰/۲۲۸ و ۰/۳۳۲ است که در ادامه آورده شد.

$$\text{Bindirect} = a \times b = 0/517 \times 0/492 = 0/254, \quad \text{Bindirect} = a \times b = 0/489 \times 0/468 = 0/228$$

$$\text{Bindirect} = a \times b = 0/606 \times 0/548 = 0/332$$

از طرفی اثر کل تاثیر دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی از طریق هر یک از زیرساخت‌های منابع انسانی، سیاسی و فرهنگی به ترتیب برابر با ۰/۶۹۷، ۰/۶۷۱ و ۰/۷۷۵ است. در حالیکه تاثیر مستقیم این ارتباط برابر ۰/۴۴۳ است. برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل از بررسی اعتبار^۱ که شامل شاخص بررسی اعتبار اشتراک^۲ و شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی^۳ می‌باشد، استفاده شده است. شاخص اشتراک، کیفیت مدل اندازه‌گیری هر بلوک را می‌سنجد. شاخص حشو با در نظر گرفتن مدل اندازه‌گیری، کیفیت مدل ساختاری را برای هر بلوک درون‌زاد اندازه‌گیری می‌کند. مقادیر مثبت این شاخص‌ها، نشانگر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌باشد. در جدول ۵، مقادیر هر یک از شاخص‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص‌ها مثبت و بزرگ‌تر از صفر می‌باشد

جدول (۵) شاخص‌های اشتراک (CV Com) و شاخص‌های حشو (CV Red)

متغیر	CV Com	CV Red
دانشگاه	۰/۱۸۹	۰/۲۱۰
زیرساخت‌های سیاسی	۰/۳۰۸	۰/۴۰۹
زیرساخت‌های فرهنگی	۰/۱۴۸	۰/۲۵۹
زیرساخت‌های منابع انسانی	۰/۲۲۵	۰/۱۲۵
اقتصاد مقاومتی	۰/۱۹۸	۰/۱۷۹

بحث و نتیجه‌گیری

ضرورت وجود یک مدل بومی برای ارتباط همه ی دانشگاه‌ها و از جمله علوم دریایی و اقتصاد مقاومتی در ایران با توجه به سنت‌های ملی و اعتقادی آن، مسأله‌ای بود که از سال‌های بعد از انقلاب مطرح می‌شد. منتها در هر دوره، به دلیل مسائل مختلف فرصت تدوین و برنامه‌ریزی چنین الگویی مهیا نشد، هر چند تمام این مشکلات، با وجود آن که شاید هریک از آن‌ها، به تنهایی برای براندازی یک انقلاب نو پا کافی باشد، دلیلی برای توجیه کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌ها نیست. با این حال در سال‌های اخیر در شرایطی هستیم که امکان بررسی این مدل‌ها وجود دارد. با توجه به یافته‌ها، فرضیه اول تا سوم که مبنی بر تاثیر دانشگاه بر زیرساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و منابع انسانی است تایید شد. دانشگاه با تربیت نیروهای شایسته بر اجتماع تاثیر می‌گذارد. وقتی نیروهای تحصیل کرده که در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحصیل کردند وارد جامعه شوند، در صورت بکارگیری درست آن‌ها توسط سازمان‌ها، باعث رسیدن به اهداف اقتصادی خواهند شد. همچنین کارکنان، مدیران و کارگرانی که در سازمان‌ها و اجتماع وجود دارند، از دانشگاه‌ها فارغ التحصیل شدند. لذا دانشگاه تاثیر زیادی بر زیرساخت‌ها دارد و ضرایب تحلیل مسیر نیز مبین این موضوع است. همه دانشگاه‌ها موجب می‌شوند تا درحقیقت دانشگاه در کنار دولت، مهمترین نقش را در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی دارد.

1- Cross-validation
2- CV-Communality
3- CV-Redundancy

فرضیه چهارم تا ششم که تاثیر زیرساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و منابع انسانی را بر تحقق اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهند نیز مورد تایید قرار گرفت. در حقیقت زیرساخت‌ها از مفاهیم مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی هستند. زیرساخت‌های کشور، با تاثیری که از منابع انسانی، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست می‌پذیرند نقش مهمی را در تحقق اقتصاد مقاومتی دارند. برای مثال فرهنگ مقاومتی، جامعه‌ی مقاومتی و سیاست‌های متناسب با اقتصاد مقاومتی می‌تواند باعث شوند تا افراد جامعه و مسئولین، همگی بدنبال کارآفرینی داخلی، واردات هدفمند، حمایت از تولیدکنندگان داخلی و رشد اقتصادی باشند. لذا تاثیرات زیرساخت‌ها بر اقتصاد مقاومتی مورد تاکید است.

فرضیه هفتم تاثیر مستقیم دانشگاه بر اقتصاد مقاومتی نیز مورد تایید قرار گرفت. دانشگاه می‌تواند با استفاده از کالاهای داخلی در کارهای دانشگاهی، حجم زیادی از مصرف را از تولیدات داخل استفاده کند. کارهایی که در این زمینه انجام می‌شود بیشتر به صورت مستقیم تاثیر خود را بر اقتصاد مقاومتی می‌گذارد ولی بیشتر نقش دانشگاه‌ها بر اقتصاد مقاومتی از طریق زیرساخت‌ها است. با این تفاسیر فرضیه هشتم تا دهم تاثیر نقش واسطه‌ی زیرساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و منابع انسانی بر تحقق اقتصاد مقاومتی نیز مورد تایید قرار گرفت. دانشگاه‌ها باید از طرق مختلفی بر اقتصاد مقاومتی تاثیر مثبت بگذارند. آنها می‌توانند از طریق تربیت نیروهای تحصیل کرده و تامین منابع انسانی محیط کار، حرفه‌ای کردن کارکنان آینده و مدیران، آموزشهای مجازی، همکاری سیاسی اساتید و دانشجویان در امور کشوری، استفاده از تولیدات داخلی، همایش‌های هدفمند اقتصاد مقاومتی و استفاده از مراکز رشد دانشگاهی به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کنند. از طرفی دانشگاه از طریق تاثیری که روی فرهنگ اقدار جامعه می‌گذارد تاثیر توصیف ناپذیری بر تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. فرهنگ از جمله موضوعاتی هست که توسط دانشگاهیان وارد بازار کار می‌شود. برای مثال اگر دانشگاه‌ها بر روی تربیت نسل فرهنگی که مبتنی بر آموزشهای فرهنگی هستند فعالیت کنند و یا بتوانند نقش فعال تری را بر فرهنگ مدیران و کارکنان آینده ساز بگذارند بسیار کارساز خواهند بود. فرهنگ دانشجویان علاوه بر اینکه بر خود دانشجویان تاثیر دارد، قابل انتقال به خانواده‌ها و دوستان آنها است. و از آنجائیکه تقریباً در اکثر خانواده‌ها، فرزندان دانشجو وجود دارد، تاثیراتی که دانشگاه از طریق فرهنگ بر تحقق اقتصاد مقاومتی می‌گذارد قابل تامل است. لذا هم‌راستا با آنچه پیغامی (۱۳۹۰) استدلال کرد، دانشگاه‌ها با تاثیر و به‌واسطه مولفه‌های زیر می‌توانند در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش آفرینی کنند. آنها از طریق افزایش میل نهایی به پس‌انداز و صرفه‌جویی در کالاهای استراتژیک توسط مردم بر اقتصاد مقاومتی تاثیر می‌گذارند. همچنین از طریق نیروهای تحصیل کرده و رایزنی‌ها در شفافیت قانون، شفافیت کسب و کار، شفافیت اطلاعات و کوچک سازی دولت می‌تواند نقش ایفا کند. از طرفی خلاقیت و مهارت فنی نیروی انسانی، تقویت باورها، تبدیل تجربه به دانش، حرکت برای دانش بنیان شدن اقتصاد، و همچنین از طریق جرفه‌ای کردن اساتید، مدیران، کارکنان سازمان‌ها نیز بر تحقق اقتصاد مقاومتی موثر خواهند بود. لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به این‌که دانشگاه می‌تواند مدل مفهومی و الگوی علمی و بومی را طراحی و برنامه‌های عملیاتی و اقدامات لازم جهت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی را در سطح کشور پیش‌بینی کند، توجهات زیادی به ارتباط دانشگاه و به ویژه دانشگاه علوم دریایی با صنعت و همچنین سیاست‌گذاری‌ها شود. برای تحقق این امر لازم است مقررات مرتبط با طرح‌های پژوهشی درون و برون دانشگاهی و تشویق مقالات متناسب با نیازهای مطالعاتی کشور و امکان ارتباط بیشتر دانشگاه با جامعه و صنعت اصلاح شود. کارگروه اقتصاد مقاومتی با کمک منابع انسانی پیشنهادی دانشگاه‌ها، در تدوین و گزارش شاخص‌های پایش سیاست‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی تا میزان تحقق برنامه‌های عملیاتی و اقدامات پیش‌بینی شده‌ی این سیاست‌ها را سنجش و ارزیابی کند. همچنین با توجه به اینکه فشار اصلی بر بخش درآمدهای کشور است. به گونه‌ای که همواره وابستگی کشور ما به درآمدهای نفتی مشهود بوده است. با این توضیح پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری به تولید و فناوری در داخل کشور شود. در ارتباط با جنبه‌های تحقیقاتی نیز پیشنهاد می‌گردد پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی به نقش عملی مردم، دولت و بانک‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی توجه بیشتری کنند. همچنین پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، از سطح کشوری در سطوح سازمانی یا سازمان‌های تولیدی و خدماتی انجام شود. همچنین از فعالیتهایی که نشان‌دهنده‌ی مقاومت است الگو برداری شود.

همچنین با توجه به اینکه عموماً استراتژی های دانشگاهی وارد سازمان های اتخاذ کننده تصمیم و سپس وارد نهادهای اجرایی می شوند این نشان می دهد که بهترین مکان برای پرداختن و تئوریزه کردن ایده ها، دانشگاه ها هستند. زیرا سازمان ها و نهادهای اجرایی توان و حوصله و فرصت پرورش و کاربردی کردن ایده ها را ندارند. در همین راستا ضرورت دارد دانشگاه ها به دنبال تشکیل کمیته های اقتصاد مقاومتی و سوق دادن پایان نامه ها و تحقیقات دانشگاهی به این سمت باشند. همچنین دانشگاه ها موظف شوند برنامه ی راهبردی خود را بر اساس الزامات اقتصاد دانش بنیان و نقش هر یک از دانشگاه ها در تحقق آن تدوین نمایند. برای دولت نیز درصدی از میزان افزایش بودجه سالیانه هر استان و دانشگاه منوط به میزان موفقیت در حرکت به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی بر اساس شاخصها تعریف شود. برای تشویق صنعت به منظور تلاش در جهت حرکت به سمت نوسازی و ارتقاء سطح دانش خود، هزینه های تحقیق و توسعه بخش صنعت که با مشارکت و همکاری دانشگاهها صورت پذیرفته باشد موجب بخشودگی درصد قابل توجه و معناداری از مالیات معادل گردد. در سطح کلان نیز فعالیتهای پیشران اقتصاد کشور بین دانشگاهها توزیع گردد و هر دانشگاه ملزم به تامین فناوری های مورد نیاز همان شاخه مربوطه گردد تا بهتر بتوان به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کرد.

منابع

- اکبری، ا.، میرزا حسینی، ح. (۱۳۹۴). بررسی نقش مدیریت جهادی و دانشگاه ها در فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی، همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی، مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران، شیراز، خرداد ماه
- بهبودی، د.، امیری، ب. (۱۳۸۹). رابطه بلند مدت اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه سیاست علم و فناوری حشمتی مولایی، ح. (۱۳۹۴). ریشه های هنجاری در اقتصاد مقاومتی، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۷۱، ص ۱۹۲-۱۶۹
- درخشان، م. (۱۳۹۳). تبیین ابعاد سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، مؤسسه علمی- فرهنگی سدید، چهارمین جلسه از سلسله نشست های اقتصاد اسلامی، ۱۵ آذر
- فکور، ب.، حاجی حسینی، ح. (۱۳۸۷). کارافرینی دانشگاهی و تجاری سازی نتایج تحقیقات در دانشگاه های ایران، سیاست علم و فناوری، ص ۵۹-۷۰
- معصومی نیام، (۱۳۹۱). چپستی اقتصاد مقاومتی، نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- میرباقری، س. ف. (۱۳۹۳). نقش دانشگاه در اجرایی شدن الگوی اقتصاد مقاومتی، دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد در تحریم، تهران
- واعظی، س. ک؛ فدایی، م. (۱۳۹۴). بررسی و تبیین مؤلفه های مدیریت راهبردی دانشگاه اسلامی مبتنی بر الگوی اقتصاد مقاومتی، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۴(۱)، ۳۹-۵۹
- Briguglio, L., & Stephen P. (2009), growth and resilience in east asia and the impact of the 2009 global recession, Available at: http://www.um.edu.mt/_data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5Dec2011.pdf.
- Clark, B. R. (1998). The Entrepreneurial University: Demand and Response, Tertiary Education and Management, 4(1), 5-16.
- Etzkowitz, H. (2003). Innovation in innovation: The triple helix of university-industry-government relations, Social science information, 42(3), 293-337.
- Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). The dynamics of innovation: from National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of university-industry-government relations, Research policy, 29(2), 109-123. Islamic World Science Citation Center(2014).
- Lundvall, B. A. et al, (2002), National systems of production, Innovation and competence building.
- Lundvall, B. A., Rasmussen, P., & Lorenz, E. (2008). Education in the Learning Economy: a European perspective. Policy futures in education, 6(6), 681-700.
- Montazar, M. H. (2016). Resistance economy and ways to achieve this goal, international journal of humanities and cultural studies, <https://www.ijhcs.com/index.php/ijhcs/article/viewfile/2900/2859>.
- Philpott, K.; Dooley, L.; O'Reilly, C; Lupton, G., (2011), "The entrepreneurial university: Examining the underlying academic tensions", Technovation, 31, 161-170.

-
- Rao, B., & Mulloth, B. (2016). The Role of Universities in Encouraging Growth of Technology-Based New Ventures, *International Journal of Innovation and Technology Management*, 14(4), 17500141- 175001422.
- Stiglitz, J. (1998), “Towards a New Paradigm for Development”, UNCTAD.
- Sveiby, E.K. (2001), “A knowledge based theory of the firm to guide in strategy formulation”, *Journal of Intellectual Capital*, 2(4), 344-358.
- Van Bergeijk, P. A. G., Brakman, S., & Marrewijk, C. V. (2016). Heterogeneous economic resilience and the great recession’s world trade collapse, *Papers in Regional Science*, 1-10, doi:10.1111/pirs.12279.
- World Bank site(2014).
- Zaman, G., & Vasile, V. (2014). Conceptual framework of economic resilience and vulnerability at national and regional levels, *Romanian Journal of Economics*, 2, 5-18.